

آسیب شناسی نحوه ی آموزش اصطلاحات زبان فارسی به غیر فارسی زبانان و ارائه ی راهکار

الهام اخلاقی

کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

اصطلاحات عباراتی هستند که معنای تحت‌اللفظی ندارند. یعنی حتی اگر معنی تمام کلمات آن عبارت را بدانیم و از دستور نیز آگاه باشیم، ممکن است باز هم معنی عبارت گیج کننده باشد. این موضوع ممکن است آموزش آن را به غیر فارسی زبانان آسیب پذیر کند. پس به عنوان یک راه حل می‌توان در ابتدا از اصطلاحات با مفهوم مشترک بین دو زبان بهره جست. بدین ترتیب، روند آموزش از ساده به مشکل پیش خواهد رفت و در ضمن یادگیری این تعداد اصطلاح در زبان آموز انگیزه یادگیری اصطلاحات بیشتری را ایجاد می‌کند که هر دو امر روند آموزش را به طور کلی تسهیل می‌کنند. در این بررسی مجموعه اصطلاحات مشترک فارسی و انگلیسی برای آموزش سطح مقدماتی فارسی به انگلیسی و بالعکس و با استفاده از معتبرترین فرهنگ اصطلاحات گردآوری شده است.

کلیدواژه: اصطلاحات، مفهوم مشترک، زبان فارسی، غیرفارسی زبانان

مقدمه

هر زبانی عبارات و اصطلاحاتی دارد که به صورت تحت‌اللفظی معنایی ندارد، حتی اگر معنی تمام کلمات آن عبارت یا اصطلاح را بدانیم و از دستور زبان نیز آگاه باشیم، معنی عبارت ممکن است باز هم گیج کننده باشد. می‌توان گفت اصطلاح، عبارتی غیرمنطقی و غیرگرامری است که معنی تحت‌اللفظی آن با معنی اصلی‌اش تفاوت بسیار دارد (قنبری، ۷۷: ۵). مثلاً عبارت " آب در هاون کوییدن " به معنی " کار بیهوده کردن " است. همان طور که می‌بینید معنای واقعی این عبارت بسیار متفاوت از معنای تحت‌اللفظی آن است. اصطلاح یا عبارات اصطلاحی، مجموعه واژگانی هستند با ساخت ثابت و معنای خاص که به سبب

شیوه‌ی بیان تصویری یا معنای مجازی، مفهوم آن را نمی‌توان از معنای تحت‌اللفظی واژه‌های آن حدس زد (نیل‌پور، ۱۳۸۲: ۱۰). بسیاری از ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات عامیانه، افعال ترکیبی و عبارتهای محاوره‌ای در این زمره قرار دارند. این اصطلاحات را باید آگاهانه و از طریق شنیدن یا خواندن مکرر آموخت و چون الگویی برای یادگیری آنها وجود ندارد تنها راه یادگیری، به خاطر سپردن آنها است. اما خوشبختانه این عناصر زبانی تقریباً در همه‌ی زبانها وجود دارد. نکته‌ی جالب توجه در مورد اصطلاحات آن است که اگر چه این واحدهای زبانی از نظر ساختاری در زبان‌های مختلف با یکدیگر متفاوت هستند و از نظر فرهنگی و اجتماعی هم ممکن است داستانهای متفاوتی درباره‌ی آنها مطرح شود، با این وجود غالباً بیانگر معانی یکسانی هستند. در فرآیند تدریس زبان فارسی به یک خارجی زبان مثلاً انگلیسی، می‌توان از این مزیت بهره جست و از اصطلاحات مشترک در امر آموزش هر یک از این دو زبان استفاده کرد. منظور از اصطلاح مشترک، آنهایی است که با وجود تفاوت‌های ساختاری و واژگانی، بن‌مایه‌ی محتوایی آنها با هم یکی است. هدف اصلی این تحقیق، بیان آسیب‌های روش‌های موجود آموزش اصطلاحات و مطالعه‌ی همزمانی اصطلاحاتی است که در دو زبان مشترک هستند و می‌توانند در فرآیند آموزش هر یک از این دو زبان به کار گرفته شوند.

اگر یادگیری زبان را به سه سطح مقدماتی، متوسطه و پیشرفته تقسیم کنیم می‌توان اصطلاح‌های مشترک ۲ زبان را در سطح مقدماتی یا متوسط شروع کرد و سایر اصطلاحات را در مرحله بعد آموزش داد. همان‌طور که در مشکوه‌الدینی (۱۳۸۰) آمده است به کارگیری دانش زبان اول در روند یادگیری زبان دوم گاهی به صورت عوامل مثبت تسهیل‌کننده عمل می‌کند (شیوه‌ای دیگر، ۱۳۸۰: ۳۳). در اینجا هم زبان اول و معرفت و بینش اولیه زبان آموز کار یادگیری این دسته از اصطلاحات را تسهیل می‌کند در ضمن اینکه وقتی زبان آموز حدود ۱۰۰ اصطلاح زبان دوم را که برایش بسیار ساده بوده یاد بگیرد، این موفقیت انگیزه‌ای قوی برای آموختن سایر اصطلاحات در او ایجاد می‌کند و در ضمن انگیزه نیروی مهمی است که میزان توان و نیز زمانی را که زبان آموز صرف یادگیری می‌کند، تعیین می‌نماید (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۱: ۷۳۲).

مبانی نظری

مدتهاست که رابطه‌ی بین اندیشه و مفاهیم واژگانی، برای زبان‌شناسان به موضوع قابل توجهی تبدیل شده است. دو نگرش مشهور نسبت به زبانی و نگرش زبان اندیشه، دو نظریه‌ی شناخته شده در این زمینه هستند. در فرضیه زبان اندیشه که مبتنی بر پژوهش‌های پینکر است، فرض بر آن است که زبان اندیشه، متفاوت از زبان ارتباط است و رابطه‌ای بین این دو وجود ندارد.

به عبارت ساده‌تر، آن چه در ذهن وجود دارد، از طریق زبان، به طور کامل، قابل بیان نیست. پیروان این دیدگاه معتقدند وقتی سخن می‌گوییم، مطالب را از اندیشه به زبانی مثل فارسی، انگلیسی یا هر زبان دیگری ترجمه می‌کنیم. این ادعا مبتنی بر پژوهش‌های پینکر است و فودور نیز به بحث درباره‌ی زبان اندیشه می‌پردازد و این زبان را نظام محاسباتی درون ذهن می‌داند که از زبان ارتباطی متفاوت است. اما فرضیه‌ی نسبت زبانی که بیش از همه با نام ساییر و وورف پیوند خورده است، بر این فرض استوار است که جهان ما تا حدی ساخته و پرداخته‌ی زبان ماست. این دیدگاه در فلسفه نیز مورد تایید فیلسوفانی چون دریدا است که معتقدند زبان، جهان ما را می‌سازد. این فرضیه دو نسخه‌ی قوی داشت. نسخه‌ی ضعیف آن که معتقد به وجود رابطه بین زبان و جهان است، هنوز هم مورد توجه زبان‌شناسان مکاتب مختلف قرار دارد. در پژوهش حاضر نیز تبلور جهان پیرامون (اشیاء، حیوانات، غذاها و غیره) خاص هر فرهنگ در اصطلاحات آن به شکلی خاص و ویژه قابل مشاهده است. در آموزش اصطلاحات مشترک نیاز به تغییر جهان بینی نیست، در نتیجه یادگیری بدون درگیری ذهنی خاصی به سرعت صورت می‌گیرد.

پیشینه‌ی تحقیق

پیشینه‌ی تدوین مجموعه‌ای از اصطلاحات فارسی، به قرن دهم باز می‌گردد. از آن زمان فرهنگ شعوری نیشابوری وجود دارد که در آن اصطلاحات زبان فارسی به زبان ترکی توضیح داده شده است (شکراللهی، ۱۳۸۳: ۱۰). از آن زمان تاکنون فرهنگ‌های متفاوتی در این زمینه تدوین گشته است. همچون فرهنگ اصطلاحات کاربردی انگلیسی به فارسی اردشیر جی (۱۳۵۹)، فرهنگ اصطلاحات انگلیسی و فارسی فرامرزی (۱۳۶۳)، فرهنگ اصطلاحات انگلیسی - فارسی و چگونگی کاربرد آنها اثر وثوقی (۱۳۶۹)، کاربرد اصطلاحات متین (۱۳۷۱)، فرهنگ اصطلاحات کاربردی انگلیسی - فارسی قنبری (۱۳۷۷) و دهها عنوان دیگر.

البته کارهایی هم همچون پژوهش حاضر انجام گرفته اما نه در مورد زبان فارسی و انگلیسی. از جمله تعبیرات و اصطلاحات و امثال مشترک فارسی و آذربایجانی ارزشمندی (۱۳۶۶). این پژوهش کاربردی است و می‌توان از فهرست اصطلاحات مشترک فارسی و انگلیسی آن به عنوان منبعی برای آموزش سریع اصطلاحات فارسی به انگلیسی زبانها در سطح مقدماتی استفاده کرد.

داده‌ها

اصطلاح به مفهوم وسیع آن شامل عباراتی می‌گردد که فارسی‌زبانان برای بیان مفهوم معنی که ترجمه تحت‌اللفظی آنها معلوم است به کار می‌برند، همچون خرچنگ قورباغه نوشتن. می‌توان اصطلاحات مربوط به ۲ زبان را به صورت تطبیقی به ۲ دسته تقسیم کرد. دسته اول اصطلاحات با مفهوم و ترجمه یکسان کلمات و دسته دوم اصطلاحات مجزا از هم. به این ترتیب یادگیری از آسان به مشکل خواهد بود. پیشنهاد می‌شود یادگیری اصطلاحات هم از این قانون پیروی کرده و اول اصطلاحات مشترک زبان فارسی و انگلیسی به صورت تطبیقی ارائه می‌شود. ناگفته نماند همه ما می‌دانیم تدریس در بافت یکی از بهترین و موثرترین روش‌های تدریس می‌باشد. اما توجه داشته باشید با چنین تقسیم‌بندی لزوم تدریس در بافت از بین می‌رود، زیرا هیچ تفاوت بافتی در ۲ زبان وجود ندارد و همین وجود مطابقت، یادگیری آسان را در پی دارد. در جداول زیر اصطلاحات انگلیسی و فارسی که در هر دو زبان مفهوم مشترکی دارند را مشاهده می‌کنید:

My mouth watered	دهانم آب افتاد
I am counting on you	روی تو حساب می‌کنم
He has sown his wild oats	آرد خود را بیخته
To roll up one's sleeves	آستین خود را بالا زدن
Crocodile tears	اشک تمساح
Between pillar and post there may be rescue	از این ستون به آن ستون فرج است
Put ones heart and soul into some thing	از دل و جان مایه گذاشتن
Be afraid of one's own shadow	از سایه خود ترسیدن
In one ear and out of the other	از یک گوش شنیدن و از گوش دیگر بدر کردن

Don't look a gift hors in the mouth	اسب پیشکشی را دندان نمی‌شمارند
Make a name for oneself	اسم در کردن
Reduce some thing to dust	با خاک یکسان کردن
Twist the lion's tail	با دم شیر بازی بازی کردن
Keep pace with some one	با کسی همگام شدن
It is not worth a damn of god	به لعنت خدا هم نمی‌ارزد
Stretch your legs according to your coverlet	پایت را به اندازه گلیمت دراز کن
Skin some one a live	پوست کسی را زنده زنده کنند
Show one 's teeth	چنگ و دندان نشان دادی
Put a spoke in some ones wheel	چوب لای چرخ کسی گذاشتن
Be all eyes and ears	سراپا چشم و گوش بودن
Words are but wind	حرف باد هوا است
Put words in some one's mouth	حرف توی دهن کسی گذاشتن
Dream about for some body	خواب دیدن برای کسی
Make one's blood boil	خون کسی را به جوش آوردن
Suck some one's blood	خون کسی را مکیدن
A jar's mouth may be stopped , a man's can not	در دروازه را می‌توان بست اما دهن مردم را نمی‌توان بست
In a calm see every man is a pilot	در دریای آرام همه کس ناخدا است
Bury one self in one's work	در کار خود غوطه‌ور شدن
Nip something in the bud	در نطفه خفه کردن
Keep one's hand in	دست اندر کار بودن (عملاً وارد بودن)
Reveal one's hand	دست خود را رو کردن
I have my hands tied	دستم بند است
Bind some one's hand and food	دست و پای کسی را بستن

Set one's heart on	دل خود را به کاری بستن
Turn one's stomach	دل را به هم زدن
Make mischief between two persons	دوبهم زنی کردن
Two gulps and a half are still due to him	دو قورت و نیمش باقی است
A joint pot does not boil	دیگ شراکت هرگز نمی جوشد
Follow a things foot prints	در پای چیزی را گرفتن
Mealy – mouthed	زیان باز
A dog's life	زندگی سگی
Cut the ground from under some one	زیر پای کسی را خالی کردن
Let the grass grow under one's feet	زیر پای کسی علف سبز شدن
Break one's promise	قول خود را شکستن
Better be the head of a dog than the lion' tail	سم سگ بودن بهتر از دم شیر است
Have a heart of stone	سنگدل
Rip up the belly of a person	شکم کسی را سفره کردن
Play fast and loose	شل کن سفت کن درآوردن
He knows one point more than the Devil	شیطان را درس می دهد
The eagle does not catch files	صید ملخ شیوهی شهبازان نیست
Parrot – fashion	طوطی وار
The stone age	عصر حجر
Dive into a book	غرق در مطالعه
Get away with	قصر در رفتن
A gentleman's agreement	قول مردانه
Make faces	قیافه کردن
It came to the pinch	کار به جای باریک رسید

Take the bread out of one's mouth	کسی را از نان خوردن انداختن
Make a fool of some one	کسی را آلت دست قراردادن
Draw some one into conversation	کسی را به حرف کشیدن
Leave some one a lone	کسی را به حال خود رها کردن «دخاله نکردن»
Give one a lift	کسی را سواری دادن
Leave some one in the lurch	کسی را قال گذاشتن
Atone for some thing	کفاره چیزی را دادن
Biting words	کلمات نیشدار
Come short	کوتاه آمدن
Move mountain	کوه را جابجا کردن (کار مهمی انجام دادن)
The cat's got your tongue?	گربه زبونتو خورده (لال شدی)
A wolf in sheep's clothing	گرگ در لباس میش
Bite off more than one can chew	لقمه بزرگتر از دهان خود برداشتن
Fight like cat and dog	مثل سگ و گربه به هم پریدن «دائم دعوا داشتن»
Seal one's lips	مهر بر لب زدن (سکوت اختیار کردن)

خلاصه و جمع بندی

روش آموزش اصطلاحات فارسی که در حال حاضر برای آموزش به غیر فارسی زبانان به کار می رود روش صحیحی نیست و ایرادات بسیاری بر آن وارد است. یکی از این ایرادات به تعویق افتادن یادگیری اصطلاحات تا مرحله ی پیشرفته است. ایراد دیگر نبود دسته بندی نظام مند و هدف دار اصطلاحات است. مشاهده می شود در بسیاری از موارد آموزش اصطلاحات نادیده گرفته می شود و یادگیری آن به عهده ی خود زبان آموز می افتد. مواردی از این دست کل یادگیری زبان فارسی را دستخوش خود می کند و نیاز به حل مسأله و ارائه ی راهکار دارد. باید برای آموزش هر بخش زبان از شیوه ی ویژه ی یادگیری همان بخش استفاده کرد. مثلاً دستور زبان فارسی و ادبیات زبان فارسی نیاز به دو راهکار متفاوت دارند. اصطلاحات

زبان فارسی هم نیاز به راهکار ویژه ی خودش دارد . فرض کنیم تصمیم داریم زبان فارسی را به یک انگلیسی زبان آموزش دهیم . می توان برای آموزش اصطلاحات از این اصول بهره جست :

بین اصطلاحات زبان فارسی و انگلیسی قرابت معنایی وجود دارد. این قرابت معنایی بویژه در حیطه ی واژگان بیشتر دیده می شود. با در نظر گرفتن این موضوع هر یک از اصطلاحات مشترک دو زبان می توانند هنگام آموزش، به عنوان ابزاری مناسب برای انتقال مفاهیم فرهنگی، در راستای برنامه ریزی درسی مورد استفاده قرار می گیرند.

به طور کل می توان گفت بخشی از اهداف آموزش یک زبان، آشنایی با ادبیات و فرهنگ گویشوران آن زبان است. از آنجا که اصطلاحات زبان فارسی با کشورهای زیادی دارای وجوه اشتراک معنایی است بررسی بیشتر جنبه های زبانی این عناصر فرهنگ محور می تواند در روند آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان موثر واقع شود. بنابراین پیشنهاد می شود مطالعات تطبیقی بیشتری درباره ی اصطلاحات زبان فارسی و سایر کشورها که قصد آموزش زبان فارسی به آنها را داریم انجام شود. این امر به شناساندن ادبیات و فرهنگ غنی ایران به کشورهای دیگر و علاقمند یادگیری زبان فارسی کمک شایانی خواهد رد.

استفاده از اصطلاحات دارای واژگان مشترک در دو زبان به میزان قابل توجهی در آموزش واژگان هم موثر خواهد شد. بنابراین استفاده از اصطلاحاتی که بیشترین میزان اشتراک را دارند می تواند روند آموزش را تسهیل کند به علاوه با جداسازی و دسته بندی کردن اصطلاحات، می توان آنها را از همان مرحله مقدماتی شروع کرد و همگام با پیشرفت یادگیری، اصطلاحات مشکل تر و فرهنگ وابسته تر را آموزش داد. مثلاً اصطلاحاتی مثل دهانم آب افتاد را در مراحل مقدماتی و اصطلاحاتی مثل شب آستن است تا چه زاید سحر در مراحل پیشرفته. در این میان پیوستاری وجود دارد که با دسته بندی دقیق آن در مراحل مختلف یادگیری اقدام به آموزش به موقع آن کرد . آن چه در این مقاله دیدید اولین گام برای آموزش اصطلاحات در مرحله مقدماتی بود.

منابع

- ۱- اردشیرجی، شاپور (۱۳۵۱)؛ فرهنگ اصطلاحات فارسی به انگلیسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲ - _____ (۱۳۶۵)؛ فرهنگ اصطلاحات انگلیسی به فارسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳- ارژنگی، هوشنگ (۱۳۶۶)؛ تعبیرات و اصطلاحات و امثال مشترک فارسی و آذربایجانی، مشهد.
- ۴- اسپیرز، ریچاردرز (۱۳۷۲)؛ فرهنگ اصطلاحات عامیانه انگلیسی - فارسی؛ کبیری، قاسم (مترجم)، تهران: انتشارات رهنما.
- ۵- حاجتی، فریدون (۱۳۷۰)؛ فرهنگ اصطلاحات انگلیسی، تهران: انتشارات دبیر.
- ۶- سایدل و موری، مک (۱۳۶۹)؛ فرهنگ اصطلاحات انگلیسی، تهران: انتشارات رهنما.
- ۷- طاهری، فردیون و ملک‌زاده فریدون (۱۳۶۹)؛ فرهنگ اصطلاحات زبان انگلیسی و کاربرد آن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- فرامرزی، محمدتقی (۱۳۶۳)؛ فرهنگ اصطلاحات انگلیسی و فارسی، تهران: انتشارات ایران باد.
- ۹- قنبری، عبدالله (۱۳۷۷)؛ فرهنگ اصطلاحات کاربردی فارسی - انگلیسی، تهران: انتشارات رهنما.
- ۱۰- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۸۰)؛ آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان برپایه‌ی فرضیه ساخت سازی زایا و فراگیری مهارت، شیوه‌ای دیگر.
- ۱۱- _____ (۱۳۷۱)؛ یادگیری زبان دوم برپایه فرضیه قاعده سازی زایا و فراگیری مهارت، مشهد جمله دانشکده ادبیات و علوم انسانی ش ۳، س ۲۵.
- ۱۲- نیلی‌پور، رضا (۱۳۷۸)؛ کاربرد اصطلاحات و تعبیرات در ترجمه، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۱۳- وثوقی، حسین (۱۳۶۹)، فرهنگ اصطلاحات انگلیسی - فارسی و چگونگی کاربرد آنها، تهران: انتشارات رهنما
- ۱۴- هتسین، ج، ب (۱۳۷۱)؛ کاربرد اصطلاحات انگلیسی، تهران